

گفت‌و‌گو با سام ریمی، کارگردان سه‌گانه‌ی مرد عنکبوتی

حرکت در ادامه‌ی مسیر قبلی



اگرچه «سام ریمی» متولد بیست‌وسوم اکتبر سال ۱۹۵۶ میلادی، بازیگر، نویسنده، کارگردان و تهیه‌کننده‌ی است که کار حرفه‌ی خود را از سال ۱۹۷۷ و با کارگردانی «این یک قتل است» آغاز نمود، ولی وی تا سال ۱۹۹۹ میلادی که فیلم «مرد عنکبوتی» را ساخت، هیچ شهرتی نداشت، به گونه‌یی که ساخت قسمت‌های سه‌گانه‌ی مرد عنکبوتی سبب شناخته شدن بیش‌تر ریمی و آرزای‌ی پیشنهاد‌های مختلف کارگردانی به او گردید. «در میان چوب‌ها»، «کلبه‌ی وحشت»، «موج جنایی» و «هدیه» از دیگر فیلم‌های ساخته شده توسط ریمی هستند.

○ ابتدا بگویند که آیا قسمت چهارم «مرد عنکبوتی» را هم شما خواهید ساخت یا خیر؟

پس از ساخت قسمت سوم این مجموعه، واقعاً خسته شدم و انرژی ندارم، بنابراین در حال حاضر به استراحت و همچنین دریافت واکنش مخاطبان نسبت به قسمت سوم این مجموعه نیاز دارم تا بتوانم در مورد ساختن ادامه‌ی آن تصمیم بگیرم.

○ از صحبت‌هایتان چنین برمی‌آید که خودتان هم چندان بدتان نمی‌آید این داستان خیالی را ادامه دهید؟

همین‌طور است؛ بی‌تردید پس از ساختن سه قسمت از این داستان، کلید زدن قسمت چهارم آن نمی‌تواند دلچسب نباشد، اما دلیل من برای چنین اقدامی تنها در کنج‌کاوی‌ام خلاصه می‌شود، یعنی دوست دارم مانند سایر مخاطبان درایم که چه اتفاقی برای «پیتر پارکر» به وقوع می‌پیوندد.

○ ولی اتفاقاتی که برای این شخصیت رخ می‌دهد را خود شما هستید که می‌سازید؟

راستش را بخواهید دوست دارم در سفری که این شخصیت آغاز کرده، او را یاری کنم و یک گام به جلو ببرم، شخصاً در مورد عاقبت وی کنج‌کاو هستم؛ اما سؤالی که در این میان مطرح می‌شود این است که در ادامه‌ی این مجموعه، چه اتفاقاتی باید رخ دهد ...

○ با این همه علاقه نسبت به شخصیت اصلی فیلم، پعید است که کارگردانی قسمت چهارم این فیلم را کسی به جز شما بر عهده گیرد؟

امیدوارم همین‌طور باشد، زیرا از این که بار دیگر بتوانم با بازیگرانی چون «کریستین دانست»، «توبی مگ‌وایر» و «جیمز فرانکو» همکاری کنم، خوشحال می‌شوم. این نشانه‌ی خوبی است که پس از ساخت سه قسمت از این فیلم، همچنان به شخصیت‌های اثر و سرنوشت آن‌ها علاقه‌مندم.

○ آیا ماجرای ۹ قسمتی بودن مرد عنکبوتی حقیقت دارد؟

این صرفاً نظر تهیه‌کننده‌ی این مجموعه است، چرا که وی گفته است می‌خواهد ۹ قسمت از این داستان ساخته شود؛ این که این اتفاق بیفتد یا خیر را زمان است که مشخص خواهد کرد.

○ برخلاف دو قسمت قبلی مرد عنکبوتی، نگارش فیلمنامه‌ی قسمت سوم را خودتان بر عهده گرفتید، چرا؟

همان‌طور که می‌دانید من از ابتدای حضورم در عرصه‌ی سینما، بیش‌تر، فیلمنامه‌های خودم را کارگردانی می‌کردم، به عنوان مثال سناریوی فیلم‌های «مردی اهریمنی» و «موج جنایی» که آن‌ها را جزو بهترین کارهایم می‌دانم توسط خودم نگاشته شده بودند، اما به تدریج و پس از حضور پیدا کردن در صحنه‌ی اول هالیوود، به این نتیجه رسیدم که اگر به‌طور تخصصی فقط یک حیطه را پیگیری کنم، شانس موفقیت نهایی‌ام بیش‌تر خواهد شد؛ به همین دلیل این اواخر کم‌تر به نوشتن پرداخته و بیش‌تر سعی نموده‌ام که توانایی‌های کارگردانی‌ام را بالا ببرم. در مورد «مرد عنکبوتی ۳» هم باید بگویم که در نگارش فیلمنامه‌ی این فیلم، تنها نبوده و دو همکار بسیار توانا به نام‌های «ایوان ریمی» و «آلوین سارجنت» داشتم که بار اصلی تدوین فیلمنامه برعهده‌ی آن‌ها بود.

○ مرد عنکبوتی نیز مانند «سوپرمن» و «بتمن»، نمونه‌ی است از داستان‌های مصوری که به قالب فیلم درآمده‌اند؛ فکر می‌کنید این

همان‌طور که می‌دانید پس از تدوین نهایی فیلمنامه‌ی قسمت اول این فیلم، تلاش زیادی برای انتخاب بازیگر نقش مرد عنکبوتی صورت گرفت؛ در واقع این تلاش برای مقابله با این حقیقت بود که بازیگر مناسب این نقش با توجه به سیر تحولی داستان طی قسمت‌های مختلف، هرگز قابل دسترسی نخواهد بود، چرا که دارای قدرت‌های ماورایی است. «توبی مگوایر» و «جیک گیلن‌هال» انتخاب‌های اصلی ما برای ایفای این نقش بودند و در نهایت قرعه به نام مگوایر افتاد. **○ در این انتخاب، به پیشینه‌ی این‌گونه شخصیت‌های خیالی هم توجه شده بود؟**

بله؛ از سال ۱۹۸۹ میلادی که شخصیت «بنمن» توسط «مایکل کیتون» اجرا شد و با واکنش مثبت مخاطبان روبه‌رو گردید، بیش‌تر تهیه‌کنندگان هالیوودی دریافته‌اند که دنیا دیگر توسط آدم‌های زمخت و خشن نجات داده نمی‌شود، بلکه از این به بعد آدم‌های رؤیایی و فوتوژنیک هستند که دنیا را نجات می‌دهند! ما هم از یک چهره‌ی جوان و زیبارو برای ایفای نقش اول فیلم‌مان استفاده کردیم تا این خواسته‌ی مخاطب را تحقق بخشیم.

○ احتمالاً به دلیل همین رویکرد بوده که بنمن با بازی «جورج کلونی»، چندان فیلم خوبی نشد؟!

دقیقاً همین‌طور است. جورج کلونی یکی از برجسته‌ترین بازیگران کنونی سینمای آمریکا است و به همین دلیل وقتی بر روی پرده ظاهر می‌شود، مخاطب دوست دارد او را به همان شکلی که هست ببیند، نه در زیر یک پوشش؛ این موضوع در مورد پیترو پارکر یا همان مرد عنکبوتی هم صادق است.

پیشینه‌ی داستانی مصور، تا چه حد در موفقیت کنونی این فیلم نقش داشته است؟

همان‌طور که می‌دانید، مرد عنکبوتی از کمیک‌استریپ‌های معروف کمپانی «مارول» است، یعنی کمپانی که طی چند سال اخیر به‌جز این فیلم، با «هالک»، «بلید» و «داردویل»، بازارهای جهانی را کاملاً تسخیر کرده است. البته هالیوود سال‌ها قصد تولید فیلم‌های سینمایی بر مبنای شخصیت مرد عنکبوتی را داشت، ولی حقوق ساخت این اثر بارها دست به دست شد تا در نهایت کمپانی «سونی» توانست این فیلم را تولید و روانه‌ی بازار کند. پیشینه‌ی مصور بودن داستان، در شهرت فیلم‌هایی که من ساختم، تأثیر بسیار زیادی داشته، اما به همان اندازه کار را هم سخت‌تر کرده است؛ به هر حال وقتی نوجوانان و جوانان برای دیدن فیلمی که قبلاً کتاب مصورش را خوانده و کارتونش را هم دیده‌اند به سینما می‌آیند، انتظار دیدن المان‌های تکراری را ندارند، بلکه دوست دارند وقایع مهم‌تری را ببینند، وقایعی که آفرینش آن‌ها نیاز به تمرکز و کار اجرایی بالایی دارد.

○ آیا ساختار حاکم بر سه‌گانه‌ی مرد عنکبوتی، کمی تکراری نیست؟

منظورتان ساختار حاکم بر داستان است، یا ساختار حاکم بر کارگردانی و سایر عوامل اجرایی؟

○ منظورم اصل قهرمان‌پروری است که این روزها در هالیوود همه‌گیر شده ...

اگرچه همانند بسیاری از آثار قصه‌گوی سینمای آمریکا، مرد عنکبوتی نیز داستانی تکراری دارد و زندگی جوانی بی‌دست و پا را روایت می‌کند که در اثر گزیده شدن به‌وسیله‌ی یک عنکبوت، نیرویی عظیم پیدا می‌کند، اما ریزه‌کاری‌های فراوان موجود در فیلم و هم‌چنین جلوه‌های ویژه‌ی که در آن به کار رفته، از تکراری شدن کار تا حد زیادی جلوگیری کرده‌اند.

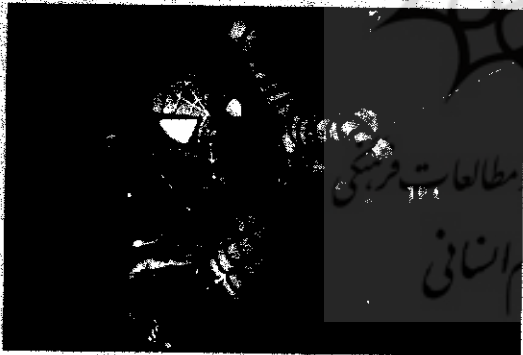
○ فکر نمی‌کنید این تکرارها در درازمدت سبب واکنش منفی مخاطبان شود؟

فراوش نکنید، هر تکراری در خود عناصر بدیع و تازه‌ی هم دارد که اگر به درستی به آن‌ها نگاه شود، جذابیت شکل می‌گیرد؛ از طرف دیگر اگر بخواهیم از بعد فلسفی به این موضوع بپردازیم، می‌توانیم بگوییم زندگی روزمره‌ی ما هم یک نوع تکرار مکررات است، پس آیا باید از زندگی دست بکشیم؟!

○ به غیر از بسیاری از قسمت‌های فیلم که همه و همه با استفاده از جلوه‌های ویژه‌ی پیشرفته شکل می‌گیرند، نکته‌ی در این میان ناگفته می‌ماند و آن این است که فیلم به ما نمی‌گوید چگونه پارکر وقتی تبدیل به مرد عنکبوتی می‌شود، قدرت و نیروی جسمی فراوانی به دست می‌آورد؟!

اگر قسمت اول این فیلم را دیده باشید، در صحنه‌ی موزه‌ی تاریخ طبیعی، خانم راهنما به این نکته اشاره می‌کند که عنکبوت‌ها می‌توانند اجسامی تا چند برابر وزن خود را جابه‌جا کنند؛ فکر می‌کنم همین تمهید برای مخاطب پذیرفتنی باشد که چگونه پارکر دست و پاچلفتی می‌تواند ناگهان صاحب نیرویی غیرعادی شود. علاوه بر این، مگر تمام افسانه‌هایی که ما خوانده‌ایم یا فیلم‌های اقتباسی که دیده‌ایم، دارای این‌گونه تعارضات مادی نیستند؟!

○ چه‌طور شد که توبی مگوایر برای ایفای نقش مرد عنکبوتی برگزیده شد؟





○ دلیل انتخاب کریستین دانست برای بازی در نقش نامزد مرد عنکبوتی، چه بود؟

اگر قرار باشد که کارگردان‌ها به خاطر آرامش یک هنرپیشه‌ی زن به سراغ کسی بروند، مسلماً آن هنرپیشه کریستین دانست است. خیال‌پردازی خاص دانست که در آن، چهره حضور دارد ولی ذهن جای دیگری است، موجب می‌شود که او با هنرپیشه‌های زن مدرن متفاوت باشد؛ اگر به تصاویر فیلم‌های «مریون دیویز» یا سایر هنرپیشه‌های مطرح فیلم‌های صامت نگاهی بیندازید، متوجه منظور من می‌شوید. اما برخی رفتارهای این شخصیت، کاملاً غیرقابل پیش‌بینی است؛ آیا این موضوع به عمد صورت گرفته؟

عجیب، غیرمنتظره و غیرقابل پیش‌بینی بودن رفتارهای این شخصیت، دقیقاً همان چیزی است که در فیلمنامه ذکر شده.

○ و همین موضوع یعنی وضعیت خاص شخصیت‌ها، یکی از اصلی‌ترین دلایل جذب مخاطب است ...

فراموش نکنید که تماشاگران تنها کسانی هستند که بدون هیچ قید و شرطی به ایجاد هیجان در فیلم‌ها اعتقاد دارند. آشفته‌گی، پریشانی و تنهایی شخصیت‌های فیلم من نیز در جهت ایجاد این هیجان است. ○ اصولاً فیلم‌های پرفروش و رکوردشکنی مانند مرد عنکبوتی، در منتقدین دافعه‌ی زیادی ایجاد می‌کنند؛ فکر می‌کنید دلیل اصلی این موضوع چه باشد؟

این گونه پروژه‌ها معمولاً پیش‌زمینه‌ی در ذهن ایجاد می‌کنند که احتمالاً قرار است با فیلمی سطحی، بچگانه و بی‌ارزش روبرو شویم، به‌خصوص اگر فیلم مایه‌های اکشن و حادثه‌ی هم داشته باشد؛ بنا بر همین ذهنیت است که بیش‌تر دوستان تحلیگر، فیلم مرا هم‌ارز فیلم‌های کارتون‌ی کمپانی «دیزنی» دانسته‌اند؛ ولی این دوستان باید به این نکته توجه داشته باشند که جریان فیلمسازی در سینمای هالیوود از دهه‌ی ۱۹۹۰ به این طرف آن‌قدر پیچیده شده که تفکیک آثار خوب و بد به راحتی سابق امکان‌پذیر نیست، بنابراین اگر بتوانند بدون پیش‌داوری به تماشای فیلمی مثل مرد عنکبوتی ۳ بنشینند، به نتیجه‌ی کاملاً متفاوت خواهند رسید!

○ با این‌که در کارنامه‌ی هنری شما آثار ترسناک فراوانی به چشم می‌خورد، اما به نظر می‌رسد که در سه‌گانه‌ی مرد عنکبوتی بیش‌تر به دنبال نمایش اصول اخلاقی بوده‌اید؟

درست است، من آثار ترسناک زیادی ساخته‌ام و در این ژانر تجربیات بسیاری دارم، اما برخلاف تمام پیش‌داوری‌ها توانستم سه‌گانه‌ی کاملاً انسانی بسازم که در کنار صحنه‌های اکشن فراوان، روابط و درون شخصیت‌های مثبت و منفی را به بهترین وجه به چالش بکشاند.

○ به نظر می‌رسد مرد عنکبوتی ۳ در شرایطی ساخته شد که بر مبنای اصول فیلم‌های دنباله‌دار، شخصیت‌های اصلی معرفی شده و شما فرصت بیش‌تری برای آزمودن تجربه‌های جدیدتان داشتید، اما به این کار نپرداختید، چرا؟

بله، من می‌توانستم با آسودگی خاطر فیلمم را از فضاهای رومانئیک لبریز کنم یا آن را تبدیل به یک کمدی کنم، ولی اگر این‌گونه می‌شد، مرد عنکبوتی تماشاگرانی را که با نیت دیدن مجموعه‌ی از اکشن و حادثه به سینما آمده بودند ناامید می‌کرد، این بود که تصمیم گرفتم قسمت سوم این فیلم نیز دقیقاً در ادامه‌ی مسیر دو قسمت قبلی حرکت کند؛ البته همان‌طور که دیدید این بار از منظری تازه‌تر به تصویر کردن ابعاد مختلف شخصیت‌های مرد عنکبوتی پرداخته‌ام، به

عبارت دیگر در این فیلم هم مجدداً تمام تمرکز و توجه خود را معطوف به شخصیت‌پردازی و تعریف و تثبیت روابط بین شخصیت‌ها کردم تا بار دراماتیک ماجرا بالا رود.

○ بنابراین عدم ایجاد تغییرات بنیادی در این قسمت خواسته‌ی خودتان بوده است، نه تهیه‌کننده‌ی فیلم!

قسمت سوم فیلم از همه‌ی جنبه‌ها رشد پیدا کرده است، بدون این‌که نیاز به تغییرات فراگیری باشد؛ وجه درام فیلم که با کیفیت بهتری ارائه شده، جذابیت و کشش آن که از دو قسمت قبلی خیلی بیش‌تر بوده و هم‌چنین از حیث تجاری و هنری، که تا آن‌جایی که در توانمان بوده سعی کردیم کار متفاوتی ارائه شود.

○ اما به نظر می‌رسد که هر سه قسمت فیلم شما قالب یکسانی دارد؛ منظورم این است که داستان کلی نایت است و فقط آدم‌بدهای فیلم در هر قسمت تغییر می‌کنند ...

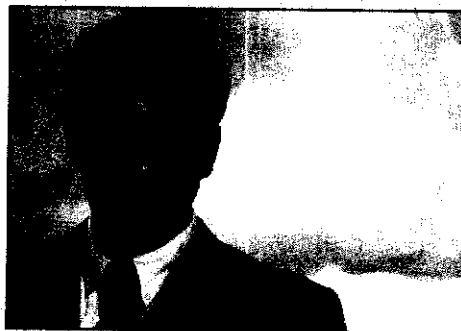
ببینید، تمام داستان‌های افسانه‌ی دو مرحله دارند، یکی زندگی طبیعی قهرمان فیلم تا پیدا شدن دشمن یا همان بدمن و دیگری مبارزه‌ی بین او و قهرمان فیلم و در نهایت شکست بدمن و بازگشت به زندگی طبیعی؛ بنابراین این عناصر فرعی هستند که با قرار گرفتن در لایه‌های میانی این گونه فیلم‌ها، سبب زیباتر شدن فیلم می‌شوند و نه تغییر کلی قالب این گونه کارها!

○ آیا فکر می‌کنید داستان مرد عنکبوتی کشش لازم برای سه قسمتی شدن را داشت؟

این موضوع را بایستی از تهیه‌کننده‌ی این اثر بپرسید، من فقط نیروی اجرایی کار بودم و تنها وظیفه‌ی من داشتیم ساختن فیلم به بهترین شکل ممکن بود که این وظیفه را نیز در حد توانم انجام دادم، ضمن این‌که از گیشه هم پاسخ مناسبی دریافت کرده‌ام.

○ منظورم فقط فیلم شما نیست، بلکه منظورم کل جریان دنباله‌سازی را شامل می‌شود.

معمولاً برای بیش‌تر فیلم‌های دنباله‌دار، مشکل از بین رفتن جاذبه‌ی



برخلاف تمام پیش‌داوری‌ها توانستم سه‌گانه‌ی کاملاً انسانی بسازم که در کنار صحنه‌های اکشن فراوان، روابط و درون شخصیت‌های مثبت و منفی را به بهترین وجه به چالش بکشاند

همین‌طور است، ما هیچ طرح و ایده‌ی برای قسمت سوم فیلم نداشتیم و اصلاً نمی‌دانستیم که چه اتفاقاتی برای پارکر جوان می‌افتد و کدام بدمن‌ها به مقابله با او برمی‌خیزند؛ اما فراموش نکنید همین موضوع ارزش کار ما را چند برابر می‌کند، چون خلق ایده و سپس پروراندن آن خیلی مشکل‌تر از استفاده از ایده‌هایی است که از پیش خلق شده‌اند.

○ با این همه مرد عنکبوتی ۳ از نظر تکنیکی یک گام به پیش است، این‌طور نیست؟

این فیلم با بودجه‌ی نزدیک به ۲۵۰ میلیون دلار ساخته شده و حرفه‌ی‌ترین تکنیک‌های فیلمسازی و همچنین جدیدترین جلوه‌های ویژه در ساخت آن به کار رفته‌اند. یکی از سخت‌ترین کارهایی که در این قسمت انجام گرفت، ساخت جلوه‌های ویژه‌ی مربوط به «مرد شنی» بود که تهیه‌ی آن حدود ۳ سال زمان برد؛ جالب است بدانید که در این زمینه، ما از تجربیات یک گروه مهندسی عمران هم سود بردیم.

○ مهندس عمران برای چه کاری؟!

ما به کمک این مهندسی‌ن آزمایش‌های گوناگونی برای فهمیدن دینامیک یا حرکت‌شناسی شن انجام دادیم تا با استفاده از این آزمایشات، ایده‌ی مرد شنی را به بهترین شکل تحقق بخشیم.

○ گویا کتاب وقایع‌نگاری ساخت فیلم مرد عنکبوتی ۳ نیز توسط تهیه‌کننده‌ی آن به بازار عرضه شده است؟!

بله، «گرانث کورتیس»، تهیه‌کننده‌ی فیلم مرد عنکبوتی ۳، کتابی ۲۰۰ صفحه‌ی را درباره‌ی مراحل ساخت این فیلم به رشته‌ی تحریر درآورده که در آن به تشریح جزئیات این مراحل و انتخاب ضدقهرمان‌های فیلم پرداخته است. البته جالب است بدانید که این خود من بودم که پس از آن که تولید قسمت سوم این مجموعه پایان یافت، به کورتیس پیشنهاد دادم یادداشت‌هایی را که برای وب سایت این مجموعه نوشته، تدوین کند و در قالب یک کتاب ارائه دهد!

○ ماجرای ساختن «هابیت» توسط شما به کجا رسید؟

پروژه‌ی هابیت بر اساس کتابی نوشته‌ی «جی. آر.آر.تالکین» و به عنوان پیش‌درآمدی برای سه‌گانه‌ی ارباب حلقه‌ها قرار بود توسط پیتر جکسون ساخته شود، اما جکسون به خاطر درگیری‌هایی که با ریسی نیولین داشت، از ساختن این فیلم سر باز زد تا مسئولان این کمپانی پیشنهاد ساخت فیلم را به من بدهند.

○ پس احتمالاً خود شما کارگردانی هابیت را بر عهده خواهید گرفت؟

نخست و بیش از همه، اولویت با پیتر جکسون است، اما اگر پیتر نخواست آن را بسازد که انگار همین‌طور هم شده، من این فیلم را کارگردانی خواهم کرد.

○ آیا داستان این فیلم را خوانده‌اید؟

بله، من عاشق کتاب هابیت هستم. این کتاب یکی از بهترین داستان‌هایی است که برای بچه‌ها نوشته شده و امیدوارم به بهترین شکل به فیلم تبدیل شود.

○ آیا مشغله‌ی پروژه‌ی هابیت، کارهای قسمت چهارم مرد عنکبوتی را به تأخیر نمی‌اندازد؟

چرا، احتمالاً در تولید قسمت چهارم مجموعه‌ی مرد عنکبوتی کمی وقفه می‌افتد و این خود زمان مناسبی است برای استراحت عوامل این کار.

داستانی پیش می‌آید که عمده‌ترین دلیل آن هم موفقیت تجاری فیلم است که تهیه‌کنندگان را تحریک کرده و بر آن می‌دارد تا قسمت‌های دیگری از آن فیلم را تولید نمایند، اما این نه تنها چیز بدی نیست که اگر براساس یک برنامه‌ریزی هماهنگ صورت گیرد، می‌تواند سبب خلق آثار خوب و ماندگاری نیز گردد.

○ بله، مانند سه‌گانه‌ی «ارباب حلقه‌ها» که تحسین منتقدان را برانگیخت ...

فارغ از اصل رقابت در سینما که به‌شدت به آن معتمد، شخصاً طرفدار سرسخت فیلم‌های «پیتر جکسون» و به‌خصوص سه‌گانه‌ی ارباب حلقه‌ها هستم.

○ فکر می‌کنید چرا منتقدان سرسخت سینما کار جکسون در ارباب حلقه‌ها را پسندیدند؟

چه بخواهیم چه نخواهیم، سه‌گانه‌ی ارباب حلقه‌ها جزو معدود فیلم‌های دنیالهداری است که قسمت‌های مختلف آن مورد استقبال فراوانی قرار گرفته و این یک دلیل اصلی دارد و آن هم این‌که این مجموعه به خاطر حجم زیاد داستان، از ابتدا به صورت سه اپیزودی تدوین و همه چیز آن از پیش تعیین شده بود؛ بنابراین هر سه فیلم با ساختاری یکدست و منسجم به یکدیگر متصل شده به گونه‌ی که در هر قسمت به فراخور نیاز و ظرفیت آن، محتوا و عناصر لازم اضافه می‌شدند.

○ آیا شما هم پیش از ساخت قسمت اول مرد عنکبوتی، چنین برنامه‌ریزی برای قسمت‌های مختلف آن داشتید؟

راستش را نخواهید نه، ما هیچ‌گاه فکر نمی‌کردیم قسمت اول این فیلم با چنان استقبالی روبه‌رو شود که مخاطبان تقاضای ادامه‌دار شدن آن را بنمایند.

○ پس این موضوع صحت دارد که شما پس از دو قسمت نخستین مرد عنکبوتی، هیچ طرحی برای ادامه‌ی داستان این فیلم نداشتید؟